

افغانستان در قرن ۱۹

(۱۲)

فصل یازدهم - جنگ اول افغان و انگلیس (۱)

در فصل گذشته یک سیر مختصر نسبت به رواج انگلیس و افغانستان نمودیم و نشان دادیم که در عهد امارت اول امیر دوست محمدخان این روابط چگونه دفاکتو کسب اکتشاف نموده و بطور بهمان سرعت خاتمه یافت اکنون باینکه نظریه وسیع تر اوضاع شرق میانه با لغت افغانستان، ایران، بنگال و ماوراءالنهر و بالاخره هندوستان شمالی را تحت مطالعه قرار میدهم تا علل جنگ اول افغان و انگلیز یا بهتر بگوئیم لشکر کشی اول انگلیز به افغانستان خوبتر واضح شود بطوریکه در اوائل این کتاب قسم ضمنی بیان شده در آن آوان نقطه حساس و بلافاصله طرف توجه در تمام دنیای مشرق و مغرب نهضت ناپلیون بودا یارت پادشاه فرانسه بود که اروپا را از یک طرف و شرق با لغت هندستان را از طرف دیگر تهدید میکرد و تدابیریکه از طرف دولت برطانیه درین مورد اتخاذ شد برای ناکام ساختن نقشه اوسه چوئی ناپلیون بطرف شرق و رسیدنش به هندوستان بود که در آنوقت براساسین انگلیس به ایران و افغانستان وارد و این معالک را از اتحاد با ناپلیون منصرف ساختند پس تا شکست قطعی ناپلیون در افغانستان سیاست انگلیز مصر و ف این بود تا دولت مقتدر هندو زائی احیانشد و برای این مقصد ایران را آله دست خود فرارادان شهرادگان افغانی را بروی هم می انگلیختند و ایران برای اشغال هرات هم که همگامی انجام میکرد ولی چون قوه کافی نداشت این نقشه را عملی نتوانسته به قلعه غوربان و داشتن نفوذ در مرات اکتفاء کرده بود اما درین ضمن پیشرفت تدریجی روسیه بطرف ترکستان توجه دولت برطانیه را جلب کرده ادراک کنفرانس (وین) ۱۸۱۵ ع (۱۸۲۳۸ ق) تصمیم گرفت که باید جلو پیشرفت روس را جانی هندوستان مسدود سازد و از این وقت سیاست انگلیس در مورد افغانستان و ایران مجرای تازه پیدا کرده و مرافقت نزدیکی را از طرف برطانیه ایجاد نمود که با اعزام نماندگان غیر رسمی صورت میگرفت اما چون ایران پس از آنکه سالها باروس در زاد و خورده بوده و بموجب معاهده (ترکمان چای) حصه بزرگ اراضی شمالی خویش را از دست داد بالاخره باروس صلح کرده حاضر شد که آله دست روس فرار گیرد در حالیکه تا قبل از این وقت انگلیس بمقابل افغانستان بود و روس هم ایران را برای اشغال هرات که کلید هند دانسته میشد تشویق میکرد و این چون خودش دور بود نمیتوانست مستقیماً درین معامله شریک شود. بالاخره زمانیکه چشم داشت روس بطرف هند و اشغال هرات ذریعه ایران و فکر نزدیکی شان با زمامداران افغانستان برای انگلیسها واضح گردید بار دیگر برعکس مستقیم با افغانستان فیصله کردند و روس را فرستادند و او امیر دوست محمد خان و سرداران قندهار را برای درری از ایران و روس و نزدیکی بسوی انگلیس تشویق کرد اما چون امیر دوست محمد خان استرداد پشاور و دفع خطر ملکها را شرط اساسی این

(۱) این یک تسمیه غلط است زیرا افغانستان هیچگاه بر انگلیس حمله نکرد و بلکه انگلیس بر افغانستان تجاوز نموده اما چون از طرف مؤلفین انگلیس بقسم یک اصطلاح عمومی طرف استعمال فرار گرفته باین مطابقت با تاریخهای اروپائی همین تسمیه را استعمال کردیم صحیح آن (تجاوز اول انگلیس به افغانستان) است.

اتحاد با انگلیس و اعتماد ساخت لاردا آکلیند که شخص جنگجوی بود با آنکه در اول حاضر شده بود که نسبت با منتر داد پشاور بر نسبت سنگ ترمبه کند و توصیه هم نموده بود (۱) بمحض ورود هیئت روس که پشتیبان خبر ورود و فتح انگلیس بیکابل جهت اخذ معلومات و جلوگیری از اتحاد افغانستان با انگلیس بر خلاف روس در ایران که مصروف محاصره هرات بودند جانب کابل حرکت کرد و برادارستن اینککه ورود این هیئت هیچک اهمیت واقعی ندارد و صرف یک مظهره مثل مظهره خود انگلیس ها است و در حالیکه مامورین مشغول و نمایندگی کابل معین کابل باو میگفتند که امیر دوست محمد خان دوستی انگلیس را ترجیح میدهد (۲) بنا بر هم تصمیم گرفت که با زمامداران بار کزانی قطع تعلقی کرده و از راه قوت مقاصد خویش را حاصل داد در صورتیکه اشغال هرات نیز درین وقتیکه هنوز روسیه از او زمین یک بیشتر نیامده و از هرات هزارها اهل قاصبه داشت کدام خطر فوری را برای او نمیداد و نه یک امر غیر قابل علاج بود یک بار با افغانها خودشان هرات را از دست تجاوزین خلاص کرده بودند حقیقت اینست که نقشه لاردا آکلیند چنان بود تا از راه سند و بلوچستان به قندهار و از آنجا بهرات رفع محاصره آن جا لشکر بکشد و روی این نظریه ورود هیئت روسی را بپایه قرار داد و با سرداران بار کزانی قطع علاقی کرد زیرا درک کرده بود که برای عملی شدن تمام نقشه های دور و دراز امروز و فردای دولت برطانیه در شوق وسطی که حتی قیام کردن کنترول نظامی و سیاسی در سنده پنجاب و کابل و قندهار و هرات نیز در آن شامل باشد وجود زمامداری درین مناطق لازم است که از هر جهت به دولت برطانیه تسلیم محض بوده و هیچیک نقطه نظر از خود نداشته باشد و آرزوی دوست نمایند گان انگلیس بشمار رفته صرف بنام حکومت کنند جالانکه زمامداری چون امیر دوست محمد خان و برادران او که دارای نظریات مستقل از خود میباشند و هیچیک مداخله در امور داخلی خود اجازه نمیدهند برای این منظور قطعا مناسب نیست بلکه از نظر آنکه آنها منافع و مصالح خود را تقیب میکنند همواره نیز نمیتوان بر آنها یکسان اعتماد کرد این چیزهایی بود که در ضمن کنفرانس هائی که در پنجاب و کابلکته بین مامورین سیاسی انگلیس چین مراجعت هیئت پرنس از افغانستان صورت گرفت تحت مذاکره آمده بالاخره فیصله شد که یکبار برای همیشه قوای انگلیس بصورت مستقیم در افغانستان استعمال و به زمامداری خاندان محملزانی خاتمه داده شود شاه شجاع که در تصرف انگلیس است پادشاه او گردد

(۱) موهن لال و کتاب قبل الذکر صفحه ۲۲۸ تا ۲۴۰ جلد اول - موهن لال میگوید که راجتیت سنگ هم سفارش کمیته (دولت برطانیه) را قبول کرده بود تا پشاور را بگیرد .
 (۲) فیریه کتاب قبل الذکر صفحه ۲۶۳ . موهن لال میگوید که از مکتوب ویکویچ عنوانی گوشت سمیونچ سفیر روس در طهران جوابیس انگلیس در راه گرفته بودند ثابت میشود که امیر دوست محمد خان به نمایندگی روس گفته بود که اتحاد او با ایران ممکن نیست زیرا قبلا با انگلیس وعده کمک با گامران حکمران هرات را داده ام و فرار داد متقابله طرح شده که برای منظوری بکابلکته ارسال گردیده است انگلیس ۲ هزار تفنگ را با استر داد پشاور و تمام علاقه افغانی واقع غرب رود سند وعده داده است . موهن لال ۲ کتاب قبل الذکر جلد اول صفحه ۲۲۸ - ۲۴۰

و عساکر و مأمورین برطانیه در افغانستان بطور دائمی اقامت اختیار کنند و افغانستان تحت
 کنترول نظامی و سیاسی انگلیس قرار گیرد و هم در اول وهله برای رفع محاصره هرات
 لشکر بزرگی از راه قندهار بطرف هرات سوق شود تا این را از محاصره آن شهر منصرف
 سازد (۱) برای این منظور انگلیس ها چند قسم آمادگی بسیار داشتند اول مطالعه
 بنا بر نجیت سنگ و میران سستد که عساکر برطانیه از راه خاک های ایشان داخل افغانستان
 بشود تا نهایتاً اعلان طرفداری از شاه شجاع بجهت شاه فیاضی افغانستان و وارث تاج و تخت
 اجدادی او که سرداران بارکزیانی بدون حق تصرف کرده اند .

مأمورین سیاسی انگلیس در بهار و تابستان سال ۱۸۳۸ ع (۱۲۵۴ ه ق) مصروف
 حل این قضایا بوده و تکلیفاتی (که بعدها در کابل کشته شد) در پنجاب بین شاه شجاع
 و رنجیت واسطه شده و از طرف دولت برطانیه با اشتراک در جانب مزبور معاهده سه گانه را
 روی کار آورد (که متن آن در اخیر کتاب بصورت تعلیق مندرج است) و خلاصه مفاد
 و روح این فرار داد ذریلاً ذکر میشود . انگلیس و رنجیت شاه شجاع را بجهت پادشاه
 افغانستان شناخته آمادگی خود را برای کمک باو اعلام داشتند بشرطیکه در مقابل این
 امداد شاه شجاع بعد از استقرار بر تخت افغانستان روابط حسنه با دو دولت مذکور داشته
 و علاوه از تمام متصرفات سابق افغانستان در ماورای رود سند از کشمیر گرفته تا پشاور
 و دیره جات نادره خیبر یعنی حدود موجوده حاکم رانی امیر دوست محمد خان به نفع رنجیت
 صرف نظر کنند و نسبت به سند نیز ظاهراً به نفع میران سند و باطناً به نفع دولت برطانیه
 که آرزوی استیلائی سند را داشت حقوق حاکمیت افغانستان را واگذار نماید .

و هم از شاه شجاع مطالبه شد تا بعد از استقرار بر تخت کابل استقلال هرات را بدست
 برادرزاده خود کاکامران قبول کند و چشمی بطرف هرات نداشته باشد و سفیر برطانیه در
 دربار کابل موجود و افغانستان با دیگر دول خارجه بدون مشوره انگلیس روابط قائم
 نگردد (۲) این فرار داد که ظاهراً بین شاه شجاع و رنجیت سنگ بوده و تجدید و تکمیل
 فرار داد دو گانه ۱۸۳۵ ع (۱۲۴۹ ه ق) که بواسطه ناکامی شاه شجاع در قندهار
 بناجرایمانده بود تلقی میشد و انگلیس در آن صرف وضعیت شامانی را بخود گرفته و در
 فرار داد امضا کرده بود (۲۶ جون ۱۸۳۸ ع - ۲۳ ربیع الثانی ۱۲۵۴ ه ق) .

در موقع عقد این فرار داد که از طرف رنجیت سنگ و شاه شجاع و امکانتان امضاء شد
 شاه شجاع نسبت به سند و مالیات آن مطالباتی کرد ولی انگلیس که نفع دیگری برای
 سند طرح کرده بود آن را نپذیرفت رنجیت سنگ علاوه از الحاق رسمی ولایات شرقی
 افغانستان یک سلسله تکالیف جزئی و شخصی دیگر را هم بدوستی شاه شجاع گذاشت که
 مادام چیزی نبود اما معاً شاه شجاع را به فرستادن هدایا بدربار رنجیت مقید ساخت و هم
 در فرار داد او قید شده بوده که رنجیت یک تعداد عسکر مسلمان را در پشاور برای کمک
 به شاه شجاع بطور دائمی نگه میدارد که مصرف آنرا پادشاه افغانستان میدهد تا در مواقع
 ضرورت فوری به کمک او اعزام شده بتواند و چون در اول وقت در فرار داد مسئله

(۱) موهن لال ، کتاب قبل الذکر جلد اول صفحه (۳۹۰ و ۳۹۱)
 (۲) الایس و عروج بارکزیانی ، است .

واکنش آری آنکه بکلی منبذراج نبود و بقیه معنی بسوی آن اشاره شده بود طبق قرارداد ۱۸۳۵ ع (۱۲۴۹ هـ ق) بایست شاه شجاع برای مصارف لشکر کشی سک بطرف افغانستان ده لک روپه از مالیات سند به رنجیت کار سازی میگرد و رنجیت عساکر مسلمان برای کمک شاه شجاع نهبه مینمود . اما زمانیکه قرارداد امضاء شد انگلیس ها مسئله انحراف شامل شاه شجاع را از سند بصورت غیر محسوس طور مستقیم بین خود شاه شجاع تحت مکتوباته قرارداد دادند و مکتوباتین شاه شجاع را از سند بکلی منصرف ساخت (۲) و پشاه بران از یک طرف داشتن ده لک روپه از مالیات سند به رنجیت و بدالقابل همکاری تشوق سک پشاه شجاع بکلی از بین رفت و این هم یکی از سیاست های انگلیس بود که نمی خواست عساکر سک در افغانستان داخل شوند بلکه فیصله کرده بود تا تحت نشانی شاه شجاع صرف بقوه انگلیس صورت بگیرد تا در آینده سک ها حقوقی را در افغانستان برای خود مطالبه و یا رسوخی را در آن جا بهین کرده نتوانند . مکتوباتین این موضوع دقیق و مهم را که عبارت از متصرف ساختن شاه شجاع از ولایت سند ظاهر است به نفع میران سند و باطناً برای خود انگلیس و در عین زمان کشیدن دست سک ها از لشکر کشی با افغانستان بود با مهارت خوبی صورت داده در حالیکه سر الکساندر برنس مامور سیاسی دیگر انگلیس که از کابل باز گشته بود و با هنری بوتخبر جهت حاضر ساختن میران سند با دادن حق عبور برای عساکر انگلیس جهت گذشتن از اراضی سند به افغانستان با نتیجه برای قایم کردن مراکز عسکری انگلیس در نقاط مهم سند جهت اشغال قطعی و کامل این ولایت بطرف سند حرکت کردند (۲) پس از بزی کردن رول های سیاسی مختلف ؛ بالاخره هر طور بود مقاومت میران سند ملیا و سفلی را در هم شکست ، پادزل و طرد ایشان عبور عساکر انگلیس را از رود سند آماده ساختند . از آن طرف حکومت برطانیه عسکری مشتمل بر ۳۸۳۵ نفر (۳) از فوای بمبئی و بنکال و غیره تمام ار دوی سند تحت قوماندانی سرچارلس نیپیر Sir Charles Nepier قوماندان عمومی عساکر هند ترتیب و طرف اسند حرکت دادند و پس از معطلی های طولانی بالاخره این فوه بتاريخ ۳ فروری ۱۸۳۹ ع (۱۲۵۴ هـ ق) از رود سند عبور و جانب بلوچستان حرکت کرد . در عین زمان بتاريخ اول اکتوبر ۱۸۳۸ ع (۱۲۵۴ هـ) ابلاغیه که دلایل لشکر کشی انگلیس را به افغانستان توضیح

- (۱) در مکتوبات انگلیس و شاه شجاع و رنجیت نسبت به اینکه سردار سلطان محمد خان نیز درین لشکر کشی بجهت متحد شاه شجاع شرکت کنند تذکار شده بود اما نه سردار و نه شاه شجاع به این راضی نبودند بنابراین این نقشه انگلیس که بر ضد امیر دوست محمد خان از خاندان خودش کار بگیرند درین وقت ونه بعد ها توسط نواب جبار خاب کابلیاب نشد .
- (۲) موهن لال - حیات امیر دوست محمد خان جلد اول صفحه ۳۹۶ - ۹۷ تمام تاریخچه روابط انگلیس و سک از زمان اولین تماس شان در وقت خطر حمله ناپلیون به هند تحت المایه کی سند به برطانیه در کتاب مذکور از صفحه ۲۰۰ - به بعد در جلد اول مندرج است .
- (۳) تفصیل این لشکر کشی را در آثار اکثر مولفین برطانوی مخصوصاً کتاب سر جان کین John Keane قوماندان عسکری فوای اعزامی با افغانستان و هنری دیورند Durand یکی از صاحب منصبان انگلیس میتوان یافت .

میگرد از کنگره از طرف نظام اعلاى هند انتشار یافت که حضور آن فرار از قبل است.

فرار داد ۱۸۳۲ ع (۱۲۴۸ ه ق) بامبران سند، قواب بهاولپور و رنجیت سنگھ برای ترفی تجارت که نفع مشروع همه امضاء کنندگان را تأمین میگرد انعقاد یافته بود در سال ۱۸۳۶ ع (۱۲۵۲ ه ق) برنيس : کابيل اعزام شد تا در مسائل تجاری کابل از فرار داد اول الذکر نسبت میگرد و بامیر کابيل مقابله کنند اما قبل از امر رنجیت اول بامبران کابيل پهلون را ایجاب بر رنجیت سنگھ حمله کرد و رنجیت بمشوره برطانیه از مقابله و انتقام صرف نظر نمود و برنيس برای میانجی گیری این رنجیت و امیر کابيل اظهار آمادگی کرد اما مذاکرات بی نتیجه ماند ایران که فکر گرفتن هرات را داشت باسر داران قندهار و امیر کابيل در خیال انتریک بود امیر مطالبات غیر معمول و فکر توسعه جویی را از خود نشان داد امر نامناسبه برطانیه از طرف امیر مرخص شد و امیر با ایران که بدون ایجاب بر هرات حمله کرده بود داخل انتریک گردید این اوضاع مجبور ساخت نا از طرف حکومت هند عملیات شروع کرده شود زیرا ایران تا سند بلکه با اینطرف آن هم فکر دار بود و برای جلوگیری ازین فکر آن معامی سفیر برطانیه در ایران تا کلام مانده و به نسبت از بی احتیاجی بعمل آمد و دولت برطانیه و وابله خود را با ایران قطع کرده است و حال هرات محاصره میباشند سرداران بازگرائی که حکومت را از سدوزائیها غصب کرده اند طرف میل ملت نمی باشد و اتفاق بین شان حکم فرماست و بنا بر این جهات برای برطانیه از هر چیک همکدر متحدین متصدی شده نمیتوانند ولی تا وقتی که خلاف منافع برطانیه بکار نمیگردند ، آنها را قبول و احترام کنیم اکنون که فکر آن برامه زدن آرامی ما و توسعه جویی را دارند مجبور به اقدامات شده ایم و برای این مقصد شاه شجاع را که مجبویت او ثابت است زیر نظر گرفته و مکناتن را در ما چون نزد رنجیت فرستادیم تا او هم درین مقصد شریک شود و در نتیجه فرار داد به گناه روی کار آمد و امسائل بدرستی حل شده و هم نسبت به بران سند فیصله شد ، که شاه شجاع استقلال شان را اعتراف کند و ما ضمانت آن را کرده ایم همچنین نسبت بهرات و استقلال آن نیز فیصله و ضمانت بعمل آمده است و باین صورت یقین داریم که تجارت درست و آدای سرحد هند و نفوذ مشروع برطانیه در شرق وسطی تأمین خواهد شد . شاه شجاع با عساکر خود و بسکمک عساکر برطانیه که جهت دفاع خارجی باو همراهی میکند ، بر تخت اجدادی خویش جلوس خواهد نمود و در عین تأمین امنیت مستملکات انگلیس اتحاد بختاری ملت افغان هم تأمین خواهد گردید و حتی رؤسای مخالف هم بعد از قبول اطاعت معاف خواهند گشت (۱)

(باقی در آینده)

سید قاسم در شنبه (۶)